

معنای عبادت و بندگی خدا و اثر آن

گام دیگر برای تهذیب اخلاق، توجه به عبادات و نیایشهاست...



گام دیگر برای تهذیب اخلاق، توجه به عبادات و نیایشهاست. برای پی بردن به تأثیر عبادت و نیایش در تهذیب نفوس و پرورش فضائل اخلاقی، قبل از هر چیز باید با مفهوم و حقیقت عبادت آشنا شد. آن

معنای عبادت و بندگی خدا و اثرات آن

گام دیگر برای تهذیب اخلاق، توجه به عبادات و نیایشهاست.

برای پی بردن به تأثیر عبادت و نیایش در تهذیب نفوس و پرورش فضائل اخلاقی، قبل از هر چیز باید با مفهوم و حقیقت عبادت آشنا شد.

گرچه بحث درباره حقیقت عبادت سخنی مبسوط و گسترده را می‌طلبد و بزرگان در تفسیر و اخلاق و فقه و حدیث درباره آن سخن بسیار گفته‌اند، اما در يك اشاره کوتاه چنین می‌توان گفت: برای یافتن حقیقت عبادت باید به واژه «عبد» و مفهوم آن که ریشه اصلی عبادت است توجه نمود.

«عبد» از نظر لغت به انسانی گفته می‌شود که سرتاپا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده او، و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در اطاعت او سستی بخود راه نمی‌دهد.

بنابراین، عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر کسی است که همه چیز از ناحیه اوست، و بخوبی می‌توان نتیجه گرفت که تنها کسی می‌تواند «معبود» باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست!

به تعبیر دیگر، و از بعد دیگر - «عبودیت» نهایت اوج تکامل روح يك انسان و قرب او به خداست، و عبودیت تسلیم مطلق در برابر ذات پاك اوست؛ عبادت تنها رکوع و سجود و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت تسلیم بی‌قید و شرط در برابر کمال مطلق و ذات بی‌مثالی است که از هر عیب و نقص مبرا است.

بدیهی است چنین عملی بهترین انگیزه توجه به کمال مطلق و پرهیز از هرگونه آلودگی و ناپاکی است؛ چرا که انسان سعی می‌کند خود را به معبود خویش نزدیک و نزدیکتر سازد تا پرتوی از جلال و جمال او در وجودش ظاهر شود که گاه از آن تعبیر به «مظهر صفات خدا شدن» می‌کنند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «العبودية جوهرة كنهها الربوبية؛ عبودیت گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته شده است. (1) اشاره به این که عبد تلاش و کوشش می‌کند که خود را در صفات شبیه معبود سازد و پرتوی از صفات جلال و جمال او را در خود منعکس کند، و نیز انسان در سایه عبودیت به جای می‌رسد که به اذن پروردگار می‌تواند در جهان تکوین، تدبیر و تصرف کند، و صاحب ولایت تکوینی شود، همان‌گونه که آهن سرد و سیاه بر اثر مجاورت با آتش، گرم و سرخ و فروزان می‌شود؛ این حرارت و نورانیت از درون ذات او نیست بلکه پرتو ناچیزی از آتش به او افتاده و به این رنگ در آمده است.

با این اشاره به قرآن باز می‌گردیم و چگونگی تأثیر عبادت را در پرورش فضائل اخلاقی در آیات قرآن بررسی می‌کنیم.

- 1- یا ای - ها ال - اس اعبدوا ربکم الذی خ - لق - کم و الذین من قبلکم لعلکم تتق - ون (سوره بقره، آیه 21)
- 2- یا ایها الذین آمنوا کت - ب عل - یکم الص - یام کما ک - تب علی ال - ذین من قبلکم لعلکم تتقون (سوره بقره، آیه 183)
- 3- و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر (سوره عنکبوت، آیه 45)
- 4- ان الانسان خلق هلوعا - اذا مسه الشر ج - زوعا - و اذا مسه الخیر منوعا - الا المصلین - الذین هم علی صلاتهم دائ - مون (سوره معارج، آیات 19 تا 24)

5- خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها (سوره توبه، آیه 103)

6- الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكرالله الالب - ذکرالله تطمئن القل - وب (سوره رعد، آیه 28)

7- یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين (سوره بقره، آیه 153)

ترجمه:

- 1- ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید، آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید.
- 2- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد، تا پرهیزگار شوید.

3- ... و نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز می‌دارد.

4- به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است - هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند - و هنگامی که خوبی

به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد) - مگر نماز گزاران - آنها که نماز را پیوسته به جا می‌آورند.

5- از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.

6- آنان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!

7- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر (روزه) و نماز کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است!

تفسیر و جمع‌بندی

در تمام آیاتی که در بالا آمده، رابطه نزدیکی میان «عبادت» و تقوا و پرهیز از گناه و پرورش فضائل اخلاقی دیده می‌شود و نشان می‌دهد کسانی که می‌خواهند به تهذیب نفس راه یابند باید از در عبودیت و پرستش خداوند وارد شوند؛ سالکان راه خدا، و پویندگان طریق خودسازی و تقوا، باید از نیایش و عبادت یاری طلبند و ناخالصیهای وجود خود را در کوره داغ عشق به خدا بسوزانند و از بین ببرند، و مس وجود خود را با کیمیای عبادت زر کنند.

در همین راستا، در نخستین آیه، همه انسانها را بدون استثنا مخاطب ساخته و راه تقوا را این گونه به آنها نشان می‌دهد؛ می‌فرماید: «ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده پرستش کنید تا پرهیز کار شوید!» (یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون)

تکیه بر آفرینش پیشینیان ممکن است اشاره به این باشد که اعراب جاهلی برای توجیه پرستش بتها، تکیه بر فعل پیشینیان داشتند، آیه فوق می‌گوید خداوند هم آفریدگار شماست و هم آفریننده پیشینیان است؛ آری! او خالق همه کس و همه چیز و مالک همه کس و همه چیز است؛ و تنها او شایسته عبادت است، نه بتها؛ اگر رو به سوی عبودیت خالص او آرید، شکوفه‌های تقوا بر شاخسار جان شما آشکار می‌شود؛ و این آلودگیهای اخلاقی شما ناشی از عبادت خرافی شماست.

این آیه رابطه نزدیک تقوا و عبادت را بطور مطلق بیان می‌کند.

در حالی که در آیه بعد به رابطه «روزه» - که یکی از عبادات مهم است - و «تقوا» اشاره شده است؛ می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما نوشته شده - همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد - تا پرهیزگار شوید!» (یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون)

هرکس به روشنی در می‌یابد که به هنگام روزه داشتن، نور و صفای تازه‌ای در دل احساس می‌کند، خود را به نیکبها نزدیکتر، و از زشتیها و بدیها دورتر می‌بیند، حتی آمارهای مستند نشان می‌دهد که در ایام ماه مبارک سطح جرائم در جامعه روزه‌دار، بسیار پایین می‌آید، تا آنجا که مأموران انتظامی به اعتراف خودشان در این ماه به کارهای عقب مانده ماههای دیگر می‌پردازند!

این امور بخوبی نشان می‌دهد که هر قدر انسان به عبودیت خداوند نزدیکتر شود از زشتیها دورتر خواهد شد.

در سومین آیه، به رابطه نزدیک «نماز» و پرهیز از گناه و فحشاء و منکر اشاره شده است؛ در این آیه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یک الگو و اسوه، مخاطب به این خطاب شده است: نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز می‌دارد (و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر)

«فحشاء و منکرات» مجموعه افعال غیر اخلاقی است، و می‌دانیم تمام افعال غیر اخلاقی سرچشمه‌ای از صفات ضد ارزشی در درون جان انسان دارد؛ و به تعبیر دیگر، همیشه اخلاق درونی است که در اخلاق برونی اثر می‌گذارد.

تأثیر نماز در بازداشتن از فحشاء و منکر نیز درست به همین دلیل است؛ زیرا نماز با افعال و اذکار بسیار پر محتوایش، انسان را در جهانی برتر و والا تر - جهان قرب به خدا - وارد می‌کند؛ و این نزدیکی او را از سرچشمه‌های اصلی فحشاء و منکر که همان هوای نفس و حب افراطی به دنیا است دور می‌سازد.

به همین دلیل، نماز گزاران واقعی کمتر گرد گناه می‌گردند؛ و هر قدر نماز روح و جان و محتوای بیشتری داشته باشد، به همان نسبت انسان از منکرات و زشتیها دورتر می‌شود و شکوفه‌های فضائل و اخلاق در درون جاننش آشکارتر می‌گردد.

در چهارمین آیه، بعد از اشاره به بعضی از ردائل اخلاقی مانند جزع و بی‌تابی به هنگام بروز مشکلات، و بخل به هنگام دست یافتن به خیرات، تنها نماز گزاران را استثنا می‌کند، و می‌فرماید: انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است - هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند - و هنگامی که خوبی به او رسد بخل می‌ورزد و مانع دیگران می‌شود - مگر نماز گزاران - آنها که نماز را بطور مرتب به جا می‌آورند. (ان الانسان خلق هلوعا - اذا مسه الشر جزوعا - و اذا مسه الخیر منوعا - الا المصلین - الذین هم علی صلاتهم دائمون)

این آیات به روشنی ثابت می‌کند که توجه به ذات پاک پروردگار و عبادت و نیایش در پاکسازی روح و جان از ردائل اخلاقی مانند بخل و جزع و بی‌تابی اثر مستقیم دارد.

در پنجمین آیه، اشاره به تأثیر مسأله زکات در پاکسازی روح و تزکیه نفس می‌کند و می‌دانیم زکات در اسلام یکی از عبادات مهم محسوب می‌شود؛ می‌فرماید: از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی (خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها)

تعبیر «تزکیهم بها» دلیل روشنی بر این حقیقت است که تطهیر و تزکیه نفس به وسیله زکات حاصل می‌شود، چرا که زکات، ردائلی همچون بخل و دنیاپرستی و حرص و آز را از روح، زائل می‌کند، و نهال نعدوستی و سخاوت و حمایت از مستضعفان را در سرزمین دل پرورش می‌دهد.

روایاتی که در ذیل این آیه نقل شده است نیز این حقیقت را روشنتر می‌کند:

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «ما تصدق احدکم بصدقة من طیب - و لا یقبل الله الا الطیب - الا اخذها الرحمان بيمينه و ان كانت ثمرة فتربو من کف الرحمان فی الرحمان حتی تکون اعظم من الجبل؛ هیچ کس از شما صدقه‌ای از مال حلال نمی‌پردازد - و البته خداوند جز حلال قبول نمی‌کند - مگر این که خداوند آن را با دست خود می‌گیرد، حتی اگر يك دانه خرما باشد، سپس در دست خدا نمو می‌کند تا بزرگتر از کوه شود!» (2)

این حدیث که تشبیه و کنایه پرمعنایی در بردارد اهمیت فوق‌العاده این عبادت بزرگ، و ارتباط مستقیم آن را با خدا و مسائل معنوی روشن می‌سازد.

در ششمین آیه، به یکی دیگر از عبادات مهم و معروف، یعنی ذکر خدا اشاره شده و از تأثیر عمیق آن در آرامش دلها، سخن می‌گوید؛ می‌فرماید: آنان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید با یاد خدا دلها آرامش می‌پذیرد! (الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب)

آرامش دل همیشه توأم با توکل بر خدا، و عدم وابستگی به مادیات و عشق به زرق و برق دنیا و آز و طمع و بخل و حسد است. چرا که اگر این صفات رذیله در دل باشد، آرامشی در آن نخواهد بود. بنابراین، یاد خدا می‌تواند اثر عمیقی در دور ساختن انسان از این رذائل داشته باشد، تا شکوفه آرامش بر شاخسار دل آشکار گردد.

به تعبیر دیگر، اگر يك نظر اجمالی به ریشه‌های ناآرامی روح و پریشانی خاطر و اضطرابها و نگرانیها بیندازیم، می‌بینیم همه آنها از رذائل اخلاقی سرچشمه می‌گیرد، ولی یاد خدا آنها را می‌خشکاند و ناآرامی را به اطمینان و آرامش مبدل می‌سازد. (3)

در هفتمین و آخرین آیه، به تأثیر نماز و روزه در تقویت روح انسان اشاره کرده، می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر (روزه) و نماز کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است!» (یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين)

در بعضی از روایات اسلامی صبر به روزه تفسیر شده است (4) که یکی از مصداقهای روشن صبر است، و گر نه صبر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه استقامت در برابر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان و استقامت در طریق اطاعت پروردگار، و در برابر حوادث ناگوار و مصائب را شامل می‌شود.

در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که هرگاه کار مهمی برای او پیش می‌آمد نماز می‌خواند، سپس آیه‌واستعینوا بالصبر و الصلوة را تلاوت می‌فرمود (کان علی اذا احاله امر فزع، قام الی الصلوة ثم تلا هذه الآية و استعینوا بالصبر و الصلوة) (5) اشاره به این که نماز به من نیرو می‌بخشد.

آری! این عبادت‌های مهم فضائلی همچون توکل و شجاعت و شهامت و صبر و استقامت را در وجود انسان زنده می‌کند، و از رذائل اخلاقی همچون جبن و ترس، تردید و دو دلی، و اضطراب و نگرانی در برابر حوادث مهم، و دنیاپرستی، دور می‌سازد؛ و به این ترتیب، بخش مهمی از فضائل اخلاقی را در وجود انسان زنده می‌کند، همان‌گونه که بخش قابل توجهی از رذائل را می‌میراند.

نتیجه:

از آنچه در بالا آمد بخوبی می‌توان نتیجه گرفت که عبادات اثر بسیار عمیقی از جهات مختلف در تهذیب اخلاق دارند؛ این تأثیر را می‌توان در چند جهت خلاصه کرد:

1- توجه به مبدأ آفرینش و حضور پروردگار در تمام زندگی انسانها سبب می‌شود که انسان مراقب اعمال و رفتار خویش باشد، و هوای نفس را تا آنجا که می‌تواند کنترل کند، چرا که عالم محضر خداست، و در محضر خداوند کریم، گناه کردن و راه خلاف پیمودن عین ناسپاسی است.

2- توجه به صفات جلال و جمال او که در عبادات و مخصوصا دعاها آمده است، نیایش کننده را دعوت می‌کند که پرتوی از آن اوصاف کریمه را در درون روح و جان خود منعکس کند و در مسیر تکامل اخلاقی قرار گیرد.

3- توجه به معاد، همان دادگاه بزرگی که همه چیز در آنجا حسابرسی می‌شود، نیز اثر باز دارنده قوی و نیرومندی برای پاکسازی روح و جسم انسان دارد.

4- عبادت و نیایش اگر با حضور قلب و آداب آن باشد، صفا و نورانیت غیر قابل توصیفی می‌آورد که در برابر آن ظلمات اخلاق رذیله تاب مقاومت ندارد؛ به همین دلیل، انسان پس از يك عبادت آمیخته با حضور قلب، خود را به نیکیها نزدیکتر می‌بیند.

5- محتوای عبادات و دعاها مملو است از آموزشهای اخلاقی و بیان راه و رسم سیر و سلوک الی الله، که دقت در آنها نیز درسهای بزرگی به انسان در این زمینه می‌دهد. عاشقان خود سازی و سالکان الی الله از طریق عبادت می‌توانند به هدف والای خود برسند و بدون عبادت و نیایش و مناجات و راز و نیاز با پروردگار مخصوصا در خلوت و بویژه در سحرگاهان راه به جایی نمی‌برند.

تأثیر عبادات در پالایش روح، در روایات اسلامی

این مسأله در روایات اسلامی بازتاب بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد که به گوشه‌ای از آن، در ذیل اشاره می‌شود، و شرح تمام آن در خور کتاب مستقلی است:

1- در تمام روایاتی که سخن از فلسفه احکام به میان آمده، اشاره به تأثیر عبادت در تهذیب نفوس و پالایش روح و صفای دل شده است؛ از جمله، در کلمات قصار امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «فرض الله الایمان تطهیرا من الشرك، و الصلوة تنزیها عن الکبر و الزکاة تسبیبا للرزق، و الصیام ابتلاء لاختلاص الخلق؛ خداوند ایمان را برای تطهیر دل از شرك واجب فرموده، و نماز را برای پاک شدن از تکبر، و زکات را سبب روزی قرار داده، و روزه را وسیله‌ای برای پرورش اخلاص بندگان ..» (6)

شبهه همین معنی با مختصر تفاوتی در خطبه معروف بانوی اسلام فاطمه زهرا3 دیده می‌شود آنجا که می‌فرماید: «فجعل الله

الایمان تطهیرا لکم من الشکر، و الصلوة تنزیهها لکم عن الکبر، و الزکاة تزکیة للنفس و نماء فی الرزق، و الصیام تثبیتا للاخلاص ... ؛ خداوند ایمان را سبب پاکسازی شما از شرک قرار داده است و نماز را وسیله‌ای برای تطهیر قلوب از کبر، و زکات را موجب تزکیه نفس (از بخل و حرص و دنیا پرستی) و نمو روزی، و روزه را عامل تثبیت خلوص نیت» . (7)

2- در حدیث معروفی که درباره نماز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده، نماز را تشبیه به نهر آب زلال جاری می‌کند که بر در خانه انسان باشد و همه روز انسان خود را پنج بار در آن شست‌وشو کند؛ بدیهی است که بر اثر آن، چیزی از آلودگیها در وی باقی نمی‌ماند؛ این حدیث نیز دلیل روشنی بر این مدعاست. (8)

و به همین ترتیب، درباره هر یک از عبادات آثاری ذکر شده که شاهد گویای تأثیر عبادت در تهذیب نفوس انسانی است. 3- در حدیث دیگری از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام درباره آثار عبادت بطور کلی چنین می‌خوانیم: «فان قال فلم تعبدهم؟ قيل لئلا یكونوا ناسین لذكره و لا تارکین لادبه، و لا لاهین عن امره و نهیه، اذا کان فیہ صلاحهم و قوامهم، فلو ترکوا بغير تعبد، لطل علیهم الامد فقسست قلوبهم؛ اگر کسی بگوید: چرا خداوند به بندگانش دستور عبادت داده (مگر نیاز به عبادت آنها دارد؟) در پاسخ گفته می‌شود، این به خاطر آن است که یاد خدا را به فراموشی نسپارند، و ادب را در پیشگاه او ترک نکنند، و از امر و نهی او غافل نشوند، چرا که در آن صلاح و قوام آنها است، و اگر مردم بدون پرستش و عبادت رها شوند، مدت زیادی بر آنها می‌گذرد (و از یاد خدا غافل می‌شوند) لذا دلهاى آنها قساوت پیدا می‌کند» . (9)

به این ترتیب، روشن می‌شود که عبادت پروردگار قلب را بیدار، و روح را هشیار می‌کند، و مایه یاد خداست که آن نیز خمیر مایه اصلاح درون و برون است.

4- در حدیث دیگری از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام می‌خوانیم که در ضمن بر شمردن آثار سازنده نماز می‌فرماید: «مع ما فیہ من الايجاب و المداومة علی ذکر الله عزوجل باللیل و النهار لئلا ینسی العبد سیده و م - دبره و خالق - ه، فیب - طر و یط - غی و یکون فی ذکره ل - ربه و قیامه بین یدیه زاجرا له عن المعاصی و مانعا له عن انواع الفساد؛ علاوه بر این که عبادت، سبب تداوم ذکر خداوند متعال در شب و روز می‌شود، تا بنده مولی و مدبر و خالقش را فراموش نکند، و نعمتهای الهی مایه مستی و غرور او نشود، و به طغیان بر نخیزد، و یاد پروردگار و قیام در برابر او، وی را از معاصی باز می‌دارد و مانع انواع فساد می‌شود» . (10)

5- در حدیث دیگری، از امام صادق علیه السلام در مورد آثار نماز و میزان قبولی آن چنین آمده است: «من احب ان یعلم ان قبلت صلاته ام لم تقبل فلینظر هل منعت صلاته عن الفحشاء و المنکر، فبقدر ما منعته قبلت؛ هر کس می‌خواهد بداند آیا نماز او قبول شده یا نه ببیند آیا نمازش او را از زشتیها و بدیها باز داشته است یا نه؟ به همان اندازه که او را باز داشته نمازش قبول شده است!» (11)

این عبارت با صراحت و وضوح، روشن می‌کند که نماز صحیح و کامل رابطه مستقیم و تنگاتنگی با مسایل اخلاقی و دعوت به خوبیها و نهی از بدیها دارد؛ و آنها که نمازشان این اثر را ندارد، تنها به جسم نماز پرداخته‌اند؛ و به تعبیر، دیگر نمازی است اسقاط کننده تکلیف نه مورد قبول پروردگار.

6- در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فلسفه روزه چنین می‌خوانیم: «ان الصوم یمیت مراد النفس و شهوة الطبع حیوانی، و فیہ صفاء القلب و طهارة الجوارح، و عمارة الظاهر و الباطن، و الشکر علی النعم، و الاحسان الی الفقراء، و زیادة التضرع و الخشوع، و البكاء و جعل اللجوء الی الله، و سبب انکسار الهمة، و تخفیف السینات، و تضعیف الحسنات، و فیہ من الفوائد ما لا یحصی؛ روزه هوای نفس و شهوت طبیعت حیوانی را می‌میراند (و طغیان آن را فرو می‌نشاند).

کتاب: اخلاق در قرآن، ج 1، ص 335

نویسنده: آیت الله مکارم شیرازی